

نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تاثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی

مشهوده بیکزاد^۱ حمیده ادیب^۲

چکیده

مدیریت فرهنگی فرایندی است که شامل برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت، رهبری و نظارت بر فعالیت هایی می شود که با هدف انتقال، تثبیت، ترویج و تکامل فرهنگ در جامعه صورت می گیرد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده ها از طریق مطالعه اسناد، منابع کتابخانه ای و تحلیل محتوای کیفی گردآوری شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مدیریت فرهنگی بانوان با بهره گیری از توانمندی های مدیریتی و اجتماعی آنان، نقش مؤثری در تقویت هویت فرهنگی، تحکیم ارزش های اسلامی و افزایش هم افزایی اجتماعی دارد. حضور فعال زنان در عرصه های فرهنگی موجب تقویت زیرساخت های اجتماعی و تحقق اهداف توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی می شود. نتیجه گیری پژوهش بیانگر آن است که مشارکت فرهنگی و مدیریتی بانوان، یکی از الزامات اساسی تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می آید و می تواند در تثبیت باورها، ارزش ها و هنجارهای اسلامی نقشی محوری ایفا کند.

واژه گان کلیدی

مدیریت فرهنگی، تمدن، توسعه، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

۱- دانشجوی دکتری، مدیریت و رهبری آموزشی، جامعه المصطفی العالمیه، گلستان، گرگان E:m.bikzad104@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری، مدیریت و رهبری آموزشی، جامعه المصطفی العالمیه، گلستان، گرگان E: hamidaadib14@gmail.com

در دنیای پیچیده و متنوع امروز، نقش زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار شناخته می شود. این مسأله به ویژه در زمینه مدیریت فرهنگی که جزیی از هویت و فرهنگ جوامع به شمار می آید، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. با توجه به تحولات گسترده ای که در عرصه جهانی و محلی در حال رخ دادن است، توانمندسازی زنان و مشارکت آن ها در فرآیندهای فرهنگی به منزله یک ضرورت غیرقابل انکار به شمار می آید. تمدن نوین اسلامی با هدف ایجاد تعادل میان ارزش های دینی و نیازهای مواجهه با چالش های عصر حاضر، نیازمند دیدگاه های متنوع و چندوجهی است. در این راستا، زنان به عنوان نهادهای اصلی تربیت و اجتماع، قادرند الهام بخش تغییرات بنیادین و سازنده در مدیریت فرهنگی باشند. تکیه بر توانمندی ها و تجربیات زنان می تواند به غنای فرهنگی و تولید محتوای فرهنگی با کیفیت و متناسب با ارزش های اسلامی کمک کند. تحقیقات نشان می دهد که حضور فعال زنان در فرآیندهای فرهنگی، علاوه بر ارتقای هویت فرهنگی جامعه، می تواند به ترویج ارزش های انسانی و بهبود مشارکت اجتماعی منجر شود. این مقاله بر آن است تا به بررسی نقش بانوان در مدیریت فرهنگی پرداخته و تأثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی را از ابعاد مختلف تحلیل کند. به ویژه، این تحقیق سعی دارد راهکارهایی برای بهبود و ارتقای این مشارکت ارائه دهد تا ظرفیت های نهفته زنان در عرصه فرهنگی آسان تر مورد بهره برداری قرار گیرد. به طور کلی، هدف این تحقیق بررسی نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی می باشد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع، ریشه در نیازهای عمیق و بنیادین جامعه دارد و از چند منظر قابل بررسی است: نخست، لزوم هم افزایی توانمندی ها. در دنیایی که رقابت بر سر پیشرفت، به اوج خود رسیده، هیچ جامعه ای نمی تواند با نادیده گرفتن نیمی از ظرفیت های خود، به قله های رفیع توسعه دست یابد. زنان، با کوله باری از استعداد، خلاقیت و تجربه، می توانند در عرصه ی مدیریت فرهنگی، نقش آفرینی کنند و این حضور، به معنای تزریق روح تازه ای به پیکره ی تمدن است. دوم، حیات فرهنگی در گرو پاسداشت هویت فرهنگ، همچون ریشه ای است که تنه و شاخسار یک جامعه را استوار نگه می دارد. زنان، به عنوان محور خانواده و تربیت کنندگان نسل های آینده، در انتقال ارزش ها، باورها و سنت های اصیل فرهنگی، نقشی بی بدیل دارند. مدیریت فرهنگی توسط زنان، می تواند تضمینی بر حفظ و ارتقای این هویت گران بها باشد و در برابر تهاجم فرهنگی، مقاومتی ستودنی ایجاد کند. سوم، نقش بی بدیل در توسعه تمدن نوین اسلامی. تمدن نوین اسلامی، بیش از هر چیز، نیازمند مشارکت همه جانبه و فعال تمام اقشار جامعه است. زنان، با حضور مؤثر در عرصه های مختلف فرهنگی، هنری، علمی و آموزشی، می توانند به پیشبرد اهداف این تمدن کمک کنند و الگویی نوینی از هم افزایی و تعامل را به نمایش بگذارند. مدیریت فرهنگی، به عنوان زیربنای این توسعه، نیازمند حضور فعال و مؤثر زنان است. چهارم، تأثیرات چندوجهی و فراگیر. حضور زنان در عرصه ی مدیریت فرهنگی، تنها به این حوزه محدود نمی شود، بلکه تأثیرات گسترده ای بر سایر حوزه ها نیز دارد. این حضور، می تواند به ارتقای سطح آگاهی و دانش جامعه، افزایش مشارکت اجتماعی، بهبود روابط خانوادگی و ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی منجر شود. بنابراین، بررسی نقش زنان در مدیریت فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی، نه تنها یک ضرورت، بلکه یک فرصت طلایی برای پیشرفت و تعالی جامعه است. این پژوهش، تلاشی است برای گشودن دریچه ای به سوی این فرصت و بهره گیری از تمام ظرفیت های موجود برای ساختن آینده ای روشن.

در زمینه مدیریت فرهنگی تحقیقات دیگری هم نوشته شده است مانند: اصول مدیریت فرهنگی «باتکیه بر سیره ی مدیریتی یوسف (ع) از منظر آیات قرآن کریم» زهرا السادات موسوی وسید علی میر آفتابی، اهمیت مدیریت فرهنگی در اصلاح الگوی مصرف؛ رامین مسعودی، طراحی الگوی رابطه مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی اسلامی؛ حسین اشتری فر؛ سید رضا صالحی امیری.... در بخش منابع خارجی اوجنی سامیر وایمان الکاله در تحقیق به سوی مدلی برای توانمندسازی مدیریتی زنان مسلمان: شواهد فلسفی و تاریخی و رویکردهای انتقادی، سید عبدالغفار بخاری، نقش زنان در توسعه تمدن اسلامی، کریستوفر

آدام بگلی، محمود ابو بکرو افروز شهنار، زن و مدیریت: بررسی مفهومی با تمرکز بر زنان مسلمان در نقش های مدیریتی در کشورهای غربی و کشورهای با اکثریت مسلمان و حبیبه الهی، حقوق زنان در اسلام: تحلیل جامع آموزه های قرآن و سنت به این موضوع پرداخته اند. اما هدف در این تحقیق بررسی نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تاثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی می باشد که با روش توصیفی تحلیلی به آن پرداخته شده است.

سوال اصلی: بررسی نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تاثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی چیست؟

سوالات فرعی: ۱- تمدن نوین اسلامی والزام های آن چیست؟ ۲- ابعاد مدیریت فرهنگی کدام اند؟

مفهوم شناسی

در این بخش مفاهیمی کلیدی تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

مدیریت فرهنگی: مدیریت فرهنگی همان طوری که از نامش پیداست ترکیبی ازدو واژه مدیریت و فرهنگ است.

مدیریت: برخی مدیریت را "علم" و برخی دیگر آن را "هنر" می دانند مدیریت چه علم باشد وچه هنر، یا ترکیبی ازاین دو مقوله در طول تاریخ نقش کارساز خود را در زندگی انسان نشان داده است، و نکته مورد توجه این است که فن آوری ارتباطات، رکن اساسی آن را تشکیل می دهد اداره امور زندگی انسان ها به عهده سازمان ها قرار گرفته است . باتوجه به این نقش مهم سازمان در زندگی انسان باید به این نکته اعتراف کرد که "سازمان ها" وتشکیلات زمانی به اهداف خود دست پیدا می کنند که مدیرانی موفق وتوانمند وشایسته را در دست داشته باشند، لذا موفقیت هرسازمان تاحدودی به شایسته گی مدیران بستگی دارد. یکی از این موفقیت های مدیر "فرهنگ" حاکم بر مدیر وحوزه مدیریت است، زیرا عامل مهم که رفتار مدیر را شکل میدهد چیزی جز فرهنگ نیست. معمولا سازمان ها شبیه هم هستند وچیزی که آنها را از یکدیگر متمایز می سازد فرهنگ حاکم بر مدیریت آنهاست. امروزه وقتی می گویم مدیریت ژاپنی، مدیریت آمریکای، مدیریت اسلامی، منظور این است که ارکان سازمانها از یکدیگر چندان تفاوت ندارد بلکه وجه تمایز این تقسیم بندی ها فرهنگ است.(تقوی دامغانی، ۱۳۸۶)

"فرهنگ" از لحاظ لغوی به معنای بالا، جلو، شکوه، جلال و بیرون کشیدن است. و به مفاهیمی چون ادب ، معرفت، خرد، آداب و رسوم، دانش، آموزش و پرورش نیز اطلاق می شود. یکی از اولین تعریف تقریبا جامع در سال ۱۸۷۱ توسط "تایلور" ارائه شده است. این مردم شناس انگلیسی اعتقاد داشت که فرهنگ مجموعه پیچیده ای ازعلوم، دانش ها، هنرها، افکارو اعتقادات، قوانین ومقررات، آداب و رسوم وسنت ها به طور خلاصه کلیه آموخته ها وعاداتی که یک انسان به عنوان عناصر جامعه اخذ می کند.(البرو، ۱۳۸۰)

فرهنگ

براساس تعریف های گوناگونی که درمورد فرهنگ وجود دارد می توان سه ویژگی مهم را در فرهنگ لحاظ کرد:

۱- مشترک بودن ۲- اکتسابی بودن ۳- قابلیت برای انتقال. فرهنگ در زندگی انسان چنان اهمیت دارد که اگرمايه های فرهنگی را در درون هرکس بریزند رفتارو تغییر خواهد کرد. پس ازین توضیحات مدیریت فرهنگی را به صورت ترکیبی اینطور تعریف میکنیم : مدیریت فرهنگی به معنای سازمان دهی واداره اموروفعالیت های فرهنگی است، ومانندهر نوع ومدریت سازمانی دیگر الزامات خاص خود را دارد بنابراین مدیریت فرهنگی تمام وظایف سازماندهی مدیریت (سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت وهمانگی، نظارت وارزیابی) درقلمرو امور وفعالیت های فرهنگی صورت می گیرد.(اسفندیاری، ۱۳۸۹)

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ شدن است (کلارک، ۲۰۰۱). بروکفیلد در تعریف توسعه می گوید: توسعه را باید بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. به طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارهای و دیدگاه های عموم مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد. (بی نا، ۱۳۹۴)

مدل های مدیریت فرهنگی

صاحب نظران علوم اجتماعی فرهنگ را از دو بعد متمایز می کنند:

۱. فرهنگ به عنوان "واقعیت عینی" یا "فرهنگ مادی" مانند آثاری که تحقق پذیرفته اند، یا هر آنچه به عنوان حاصل بانیجه ارائه می شود. در اینجا محسوس، ملموس و قابل اندازه گیری است، مورد نظر می باشد.

۲. فرهنگ به عنوان واقعیتی که انسان ها انسان ها با آن زندگی می کنند، مشارکت در اموری مستمر و باتحرک، هیئتی پرتحرک و متشکل از ارزشها "مدل های فرهنگی" یا همان «فرهنگ غیر مادی» در اینجا مقولاتی مطرح است که قابل اندازه گیری با موازین کمی نبوده و مشاهده پذیر نمی باشد. تمایز گذاری فوق ساده ترین تمایز گذاری میان ابعاد مختلف فرهنگ است. باید توجه داشت که تمایز گذاری بین دو بعد مادی و غیر مادی تمایز گذاری دقیق نیست، از این رو، تفکیک فرهنگ به دو بعدی مادی و معنوی دارای ارزش علمی قابل قبول نمی باشد. اگر اصل فرهنگ را معنا اندیشه و معرفت بدانیم- که اینگونه نیز است- دیدن نموده های این جوهره در تمام ارکان و شئون و اجزای جهان اجتماعی، حتی در ساده ترین موضوع مثل کبریت، کاملاً قابل تصور است. در جهان اجتماعی همه چیز دارای صبغه اطلاعاتی و معرفتی است و این نباید موجب آن شود که همه چیز را فرهنگ بدانیم. بنابراین تقسیم فرهنگ به دو جزء مادی و معنوی تمایز بیهوده است. با توجه به آنچه ذکر شد، تفکیک ها و تقسیم بندی های دیگری از وجوه فرهنگ ضرورت پیدا می کند. (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۴)

مدل گیرت هافستد

گیرت هافستد یک فرد آلمانی است که بخش زیادی از عمر خود را در صنعت به ویژه در آی بی ام سپری کرده است او استاد برجسته انسان شناسی سازمانی و مدیریت بین المللی در دانشگاه لیمبورگ واقع در ماستریخت هلند و مؤسس انستیتوت تحقیقات همکاری های بین المللی است او به عنوان یک فرد پیشگام در عرصه تحقیق پیرامون فرهنگ های ملی و سازمانی شناخته می شود.

هافستد شش بعد را برای فرهنگ در نظر گرفته است:

۱. فاصله قدرت: نشان دهنده ی این است که اضافی از جامعه که قدرت کمتری دارند تا چه حد توزیع نابرابر قدرت را پذیرفته اند و حتی آن را محتمل هم می دانند. در کشورهای که این فاصله قدرت کم است بی عدالتی ها در میان مردم به حد اقل می رسد، زبردستان انتظار دارند که افراد مافوق با آنها مشورت نمایند و امتیازات و سمبول های موقعیت اجتماعی چندان به چشم نمی آیند. برعکس در کشور های که فاصله قدرت در آنها بالا است بی عدالتی در میان مردم به شدت رواج دارد، افرادی که قدرت کمتری دارند شدیداً وابسته به افراد دارای قدرت بیشتر هستند، تمرکز در فعالیت ها بیشتر است.

۲. اجتناب از عدم قطعیت: میزان ناراحتی افراد را در مقابل ابهام وعدم قطعیت توصیف می کند.

۳. فردگرایی در مقابل جمع گرایی: تمرکز این بعد روی این پرسش است که آیا مردم ترجیح می دهند به حال خود رها شوند یا درون شبکه ای با ارتباطات نزدیک قرار بگیرند. رفتار به سمت یک گروه فردگرایی در جوامع رواج دارد که روابط میان افراد آن از بین رفته است هر کس به دنبال منافع شخصی خودش هست. برعکس جمع گرایی در جوامعی رواج دارد که افراد از بدو تولد در گروه های قوی و متحد جای می گیرند.

۴. مرد سالاری در مقابل زن سالاری: مرد سالاری بر اولویت جامعه برای ابراز وجود، قهرمانی، موفقیت و پاداش مادی برای دستیابی به موفقیت دلالت دارد. در مقابل، زن سالاری نشان دهنده ی اولویت فروتنی، همکاری، کیفیت زندگی و مراقبت از ضعف است.

۵. جهت گیری های طولانی مدت در مقابل جهت گیری های کوتاه مدت: جهت گیری مدت تمایل جامعه را به سمت جست و جوی فضیلت توصیف می کند. جهت گیری کوتاه مدت متعلق به جوامعی است که شدیداً به سوی استقرار حقیقت مطلق تمایل دارند.

۶. افراد در مقابل خویشتن داری: این بعد حول محور درجه ی کنترل جوامع بر تکان ها و خواسته های می چرخد. (هافستند، ۱۳۸۸)

مدل ادگار شاین

ادگار شاین از جمله دانشمندان کلاسیک مدیریت و یکی از بزرگترین نظریه پردازان معاصر در زمینه فرهنگ سازمانی افراط در مقابل خویشتن داری: این بعد حول محور درجه ی کنترل جوامع بر تکان ها و خواسته های خود و رفتار سازمانی است و نام او در ردیف بزرگانی مانند گرت هافستند، ادوارد هال، و کریس آرجیس قرار می گیرد. ادگار شاین در دهه ۱۹۸۰ نظریات مطرح کرد که در بحث "فرهنگ سازمانی" بسیار تاثیرگذار بود. طبق نظر وی فرهنگ از سه سطح ولایه تشکیل می شود: در بیرون ترین لایه، "مصنوعات" قرار می گیرد در سطح میانی "ارزشها و هنجارهای رفتاری" قرار دارد در عمیق ترین لایه نیز هسته ای از "باورها و مفروضات" جای گرفته است. (شاین، ۱۳۸۹)

مفروضات: به اعتقاد شاین "باورها و مفروضات" هسته یک سازمانی را تشکیل می دهند. مفروضات بیانگر چیزهایی هستند که اعضا معتقدند "واقعیت" دارند. بنابراین مفروضات بر آنچه اعضا ادراک، فکر و احساس میکنند، تاثیر می گذارد. مفروضات غیرقابل تغییرند و معمولاً در سطح ناخود آگاه ذهن افراد قرار دارند و غالباً نمی توان آنها را به سطح خود آگاه آورد. از دیدگاه اعضای یک فرهنگ، مجموعه مفروضات اساسی حقیقت دارند و اموری مسلم و غیر قابل بحث اند. این حقایق غیرقابل تردید در همه ابعاد زندگی فرد رسوخ می کنند و همه تجارب آن فرهنگ را رنگی خاص می دهند. برای مثال، یکی از مفروضات اساسی نگرشی است که درباره ماهیت و طبیعت انسان وجود دارد. شاین معتقد است که مهم ترین تاثیر هسته مفروضات، از دیدگاه "شکل دادن فرهنگ" بر هنجارها، ارزشها و مصنوعات است. (آرش حبیبی، ۱۳۹۱)

ارزشها و هنجارها: "ارزشها" عبارت اند از: اصول، اهداف و استانداردهای معتبر شده اند تا ارزش و اعتبار داتی داشته باشند. آنها بیانگر این موضوع اند که اعضای یک سازمان باید چه چیزی را رعایت کنند. ارزشها مبنای قضاوت در این باره اند که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. این امر بیانگر آن است که چرا ارزشها به عنوان کدهای اخلاقی اشاره می شود. هنجارها ارتباط نزدیکی با ارزشها دارند. آنها قوانین نانوشته های هستند که برای اعضای یک فرهنگ این امکان را فراهم می کنند که بدانند در طیف گسترده و متنوعی از وضعیت ها چه انتظار از آنها وجود دارد در حالی که ارزشها مشخص می کنند که چه چیزی برای یک فرهنگ مبهم

است. به طوری خلاصه ارزشها بیان می کنند چه چیزی با ارزش است، در حالی که هنجارها مشخص می کنند که چه اتفاق می افتد آیا به هنجار است یا نا به هنجار. (نادری قمی، ۱۳۸۹)

شاخص ها و متغیرهای پژوهش: برای سنجش نقش بانوان در مدیریت فرهنگی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، می توان از چارچوب مدل ادگار شاین (۱۳۸۹) استفاده کرد. شاخص ها و متغیرهای این پژوهش در جدول زیر ارائه شده است:

منبع	متغیر ها	شاخص ها
پاشائی، ۱۴۰۰	سیاست گذاری فرهنگی، هدایت ارزش ها، سازماندهی فعالیت های فرهنگی	مدیریت فرهنگی
تاج آبادی و همکاران، ۱۴۰۳	نقش خانوادگی، آموزشی، رسانه ای، مشارکت در نهاد های فرهنگی	نقش بانوان در مدیریت فرهنگی
Monghadam&Senftove, 2014	مشارکت فرهنگی، رسانه زنان، سازمان های زنان	توانمندسازی زنان
Seipel, 2010	نماینده گی پارلمان، مدیریت درآمد و حق تصمیم گیری	مشارکت حقوقی و سیستمی

متدولوژی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد کیفی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و اسنادی بوده و منابع شامل کتابها، مقالات علمی-پژوهشی، اسناد تاریخی و بیانات اندیشمندان اسلامی می باشد. در این تحقیق، تلاش شده است با تحلیل محتوای منابع موجود، ابعاد مختلف نقش زنان در مدیریت فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه تمدن نوین اسلامی بررسی شود. جامعه پژوهش شامل کلیه مطالعات نظری و تجربی در حوزه مدیریت فرهنگی و نقش زنان در جوامع اسلامی است. ابزار تحلیل، تحلیل مضمون و استنتاج منطقی از داده ها می باشد.

تمدن نوین اسلامی والزامات آن

تمدن نوین اسلامی اصطلاحی است که در کلام رهبرانقلابی اسلامی مطرح شده است. از منظر ایشان، تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه جانبه ای است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان ها، بعدی معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمای می کند. تمدن نوین اسلامی، حاکی از تغایر ماهوی با تمدن غربی است که در قید «اسلامیت» ظهور یافته و بیانگر اختلاف در مبانی و غایات با تمدن غربی است. (خواجه سروری و همکاران، ۱۳۹۳) تمدن اسلامی یعنی آن فضای که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایت مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برساند. زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این. (مقام معظم، ۱۳۹۲) تعالیم اسلامی همواره دو هدف اساسی را پیگیری می کند، هدف اول انسان سازی و هدف دوم تمدن سازی است که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می کند. هدف اول حفظ صبغه الهی و دینی در تمام فرایندهای ناظر به انسان سازی و تمدن سازی است که خروجی آن انسان های الهی و جامعه الهی است. هدف دوم از تبیین الزامات نرم افزاری و فرهنگی، ناظر به پیاده سازی و تحقق عینی تمدن اسلامی است؛ به این معنا که باید تمام فرایندهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و طراحی گردیده، و حلقه های لازم برای اجرای طرح تمدن سازی دینی بر اساس محاسبات و مهندسی الهی تکمیل شود. در این باره می توان به نکات زیر توجه نمود:

۱. به علوم و معارف قرآنی: مواد اولیه تمدن سازی دینی مفاهیم، علوم و معارف قرآنی اند، و قرآن کریم نیاز به مفسر توجه دارد؛ به تعبیر رسول مکرّم اسلام: «هر که طالب علم پیشینیان و آیندگان از اول تا آخر دنیاست در قرآن کند و کاو کند» (خیری، ۱۳۹۱، ۲۳۱)

۲. تلاش مجددانه با اعتقاد راسخ: این ویژگی موجب شد تا در صدر اسلام تمدنی پایه گذاری نمایند که پایه و اساس تمدن های بعدی گردد.

۳. رعایت ارزشهای اخلاقی در بعد علمی و عملی: در این خصوص مسلمانان بر این باورند که :

الف (نسلی مدیون نسل قبلی است بدون اینکه بعضی لغزش ها و اشتباهات پیشینیان چیزی از ارزش آن بکاهد.

ب (برای تجدیدنظر در گفته های پیشینیان هیچ مانعی وجود ندارد، به شرط اینکه در رد و ایراد زیاده روی و اشکال تراشی نشود.

ج (به عقیده دانشمندان اسلامی، هیچ دانشمندی به هر مرتبه ای که از دانش رسیده باشد، از لغزش و خطا مبرا نیست (سزگین، ۱۳۷۱، ۳۷)

۴. بومی سازی علمی و فرهنگی: هرچند مسلمانان دانش را گمشده خود می دانند که هر جای است باید آن را فرا بگیرند، ولی به تقلید اکتفا نکرده و آن را با محک اصول هستی شناختی، انسان شناختی و معرفتی و روش خود سنجیده، باز سازی کرده و رنگ بومی بدان می دانند (یعقوبی، ۱۳۸۷، ۴۵) الزامات دیگری هم در تمدن نوین اسلامی شامل می شود که یکی از الزامات اصلی توجه به نقش زنان است.

نقش زنان در مدیریت فرهنگی تمدن نوین اسلامی

در عنوان های قبلی تمدن نوین اسلامی را تعریف کردیم الزام های آن را بحث کردیم ابعاد مدیریت فرهنگی را توضیح دادیم و در این زمینه به این جمع بندی رسیدیم که تمدن نوین اسلامی الزام های مختلف دارد؛ یعنی تحقق و شکل گیری تمدن نوین اسلامی نیاز مندی توجه به امورات مختلف است که باید رعایت شود یکی از آن امور توجه به نقش زنان است در بحث ابعاد مدیریت فرهنگی هم بحث شد که مدل های مختلف از مدیریت فرهنگی وجود دارد که از جمله آنها نظریه معروف هافستند و ادگار شاین است. مطابق هر کدام از این نظریه ها توجه به نقش زن و توجه به ارزشها، باورها و نقشی که می تواند زن در مورد فرهنگ و مدیریت فرهنگی ایفا کند، یکی از ابعاد کلیدی مدیریت فرهنگی محسوب می شود؛ اگرچه در مدل ادگار شاین به صورت خاص به زن بودن یا مرد بودن مدیران فرهنگی اشاره نشده است؛ اما توجه به باورها، ارزشها ما را رهنمون می شود که به نقش زنان هم باید توجه کرد؛ به خاطر اینکه از باورهای اساسی و کلیدی در هر جامعه، باورهای مرتبط به زنان است. همانطور که هافستند بحث تفاوت های فرهنگی کشورها را بیان کرده است که از جمله آن تفاوت ها، بحث زنانگی و مردانگی است. از نظر ایشان رفتار مردم بعضی از کشورها، رفتار مردانگی است و بعضی کشورها رفتار شان زنانگی است این نظریه ها و نظریه های معروفی دیگر را اگر مورد توجه قرار بدهیم، نقش زن در مدیریت فرهنگی از کلیدهای اساسی است. در دین اسلام هم زن به عنوان یکی از ستون های شکل گیری جامعه محسوب می شود. زن در خانواده و جامعه به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است؛ زن اگر به درستی، به وظایف خودش عمل کند، می تواند مبنا و اساسی برای ساخت یک خانواده خوب، یک خانواده متعالی و در نهایت یک جامعه پیشرو و متعالی بسازد به همین میزان زن می تواند در شکل گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی و همچنین ماندگاری تمدن نوین اسلامی، اساسی ترین وظایف و نقش ها را ایفا بکند که در ذیل مهم ترین و اساسی ترین نقش های کلیدی زن از منظر ادبیات اسلامی مورد بحث قرار می گیرد.

نقش زنان در شکل دهی تبیین و تثبیت باورها و مفروضات تمدن نوین اسلامی

تاریخ برای ما گواهی می دهد که از عصر رسالت گرفته تا قرن های متمادی پس از آن و در عصور عظمت و شکوفای تمدن اسلام، چه قدر زنان بافضل و علم و کمال سر برآوردند که ذیلا نمونه های از زنان محدث، فقیه، ادیب و عارف از ادواری مختلف تاریخ، ذکر می شود.

۱- حضرت فاطمه زهرا (رض) دارای جایگاه علمی بسیار والایی بودند و به عنوان یک عالم دینی و مرجع فکری در زمان خود شناخته می شدند. ایشان نه تنها به مسائل فقهی و اعتقادی آگاه بودند، بلکه در تفسیر قرآن و سایر علوم نیز دانش گسترده ای داشتند. در نظریات علمی ایشان، شاخصه های وجود دارد که ظرفیت گسترده ای را برای تولید علم و توسعه و تعالی آن دارا است. (مستقیمی، بی تا)

عایشه: حضرت عایشه (رض) در طی مصاحبت ۹ سال که با رسول الله (ص) داشت استفاده حد اکثر را از او نمود، واکثر زنان مسلمان با مراجعه به وی مشکلات، علمی و دینی خود را حل می ساختند و حضرت عایشه بعد از وفات پیامبر (ص) نقشی مهم را در نشر و اشاعه علوم نبوت ایفا کردند. اوتا مدت ۴۸ سال مسلسل مشغول تدریس بود صحابه کرام و تابعین عظام تعداد ۲۰۰ جلد کتاب را از تعلیمات عائشه املاء و تحریر نمودند. محدثین تعداد احادیث که از آن حضرت روایت کرده است، دوهزار و دوصد ده (۲۲۱۰) حدیث شمرده اند. (حیاء الصحابه، ۴-۹۴)

۲- ام سلیمه (رض) یکی دیگر از زنان صدر اسلام است که در عقل، تدبیر، علم و حکمت در جایگاه بلندی قرار داشت. او در خانه پیامبری بزرگوار (ص) قرآن، سنت و احکام اسلام را فرا گرفت و پس از آن حضرت حدیث روایت می کرد به گواه تاریخ اسلام زنان در عرصه های گوناگونی مانند تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد، موجبات تحقق باورها و ارزش های اسلامی را فراهم آوردند. و فتوا می داد. حدود بیشتر ۱۳۰ مرد وزن از اصحاب پیامبر (ص) فتوای دادند که هفت نفر شان بسیار و ۱۳ نفر شان در حد میانه و دیگران اندک فتوا می دادند. ام سلیمه-رضی الله عنها- از جمله همان ۱۳ نفر شمرده می شد. (ابن قیم جوزیه، ۱۴۲۳)

۳- زینب شهبازی: زینب شهبازی یکی دیگر از زنان پیش گام در علم و معرفت می باشد. وی علاوه بر تحصیل علوم شرعی، در منطق و نجوم دسترسی کافی داشت، و شاعر و سخنور بود و در ادبیات بر اکثر اقرانش فایق آمده بود.

۴- فاطمه تنوخی: از سلسله زنان نمونه در تاریخ اسلام فاطمه بنت محمد بن احمد بن عثمان بن منجا تنوخی و دمشقی است، وی علوم مختلف اسلامی را تحصیل نموده و در علوم حدیث و روایت امتیاز خاصی داشت. فاطمه تنوخی به حیث یک مربی مجرب و استاد موفق و نامی، در جامعه اسلامی، عرض موجودیت کرد، و زندگی اش را در تعلیم و تدریس وقف ساخت. متفکر معروف اسلامی علامه حافظ بن حجر عسقلانی، شرف تلمذ را از او حاصل نمود.

۵- عائشه قرطبی: از سلسله زنان مسلمان دانشمند، که مایه افتخار زنان مسلمان است و چهره ای واقعی یک زن مسلمان را نشان می دهد، عائشه بنت احمد قرطبی است، که همه عمرش را وقف علم و فضل نمود و دارای مقام شامخ علمی بود که در عصر خود نظیری نداشت. ابن حبان در مورد او گفته است «از آزادگان اندلس، کسی وجود نداشت، که در علم، درک، ادب، فصاحت و شعر با او برابری کند. او دارای خط زیبا بود و نسخه های را از قرآن می نویشت». صاحب مغرب گفته است «عائشه از عجائب زمان و غرائب آوان خود بوده است»

۶- عائشه بنت یوسف با عونی: عائشه بنت یوسف بن احمد بن نصر باعونی، زن ادیب، بزرگوار، نویسنده وزیرک بود. او به علم، دانش و ادب، از جمله نوابغ زمان خود محسوب می شد. عبدالغنی نابلسی و دیگر علماء اسلامی او را در محافل علمی مشائخ عصر خود، از جمله محافل فقه و نحو و عروض حضور می یافت.

۷- فاطمه سمرقندی: فاطمه سمرقندی زن فقیه، محدث، ومفتی از علماء بر جسته عصر خود بود. او تدریس می کرد وفتوا می داد و کتاب هایی را در علوم وفنون مختلف تالیف نمود است. (معتصمی، بی تا)

آنچه از زنان دانشمند، ذکر شد مشت نمونه خروار از کتله های عظیم زنان دانشمند، در دوره های مختلف تاریخ اسلام است. و اگر نه برشمردن نام های همه آن زنان مسلمان، که در علم ودانش شهره آفاق شدند، از حیطه امکان به دور است. شما می توانید کثرت آن زنان را از سخن علامه ذهبی درک نماید که گفته است «اساتید زنی که امام حافظ بن عساکر از آنها، فن حدیث را آموخته است، بالغ بر هشتاد تن می شوند، وقتی که تنها اساتید حدیث یک امام حافظ در یک دوره وزمان، به هشتاد زن برسد، پس چه فکر می کنید، که در تمام جهان اسلام در آن وقت وقرن های قبل وبعد از آن چه تعداد زنان صاحب علم وفضل که شکل مرجعیت را به خود گرفته بودند وجود داشتند و برای بقا وشهرت اسلام تلاش می کردند. (همان).

حضرت خدیجه (رض) با نوبی نمونه در تجارت اولین همسر پیامبر و اولین زن بود که برای ایشان ایمان آوردند براساس شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه می توانیست، توان تبلیغی رسول خدا(ص) را بالا برده و راهکاری مناسب برای بیرون رفت از مشکلاتی باشد که اسلام نیاوردن برخی نزدیکان پیامبر(ص) برای آن حضرت بوجود آورد. خدیجه(رض) قبل از اینکه با رسول خدا(ص) ازدواج کند، از ثروتمندترین زنان جزیره العرب بود.بخش مهم ثروت اواز طریق تجارت به دست آمده است حضرت خدیجه(رض) اموالش را به مضاربه به مردان امینی می سپرد تا به سفرهای تجاری بروند وبعد از باز گشت سود حاصله را برابر قانون مضاربه تقسیم کنند از این رو با شناختی که قبل از بعثت از درایت، راست گویی، امانت داری و اخلاق نیکوی رسول خدا(ص) داشت از اوخواست تا به همراه غلامش میسر، برای تجارت به شام برود (ابن کثیر، ۱۳۹۸، ۲۹۴). ثروت بازرگانی خدیجه(رض) در منطقه حجاز، نقش مؤثر و پر اهمیت را برای معرفی وپیش برد اسلام ایفا کرده ودر جاهای مختلف، غبار غم از چهره مبارک رسول خدا(ص) زدوده است. رسول خدا(ص) فرمودند: مانفعی مال قط مثل مانفعی مال خدیجه. (صدوق، ۱۴۱۷، ۴۶۸) هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشد. اموال خدیجه(رض) به قدری زیاد که ظاهرا تاهجرت رسول خدا به مدینه توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد رسول خدا(ص) در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی(ع) دستور داد به کمک اموال باقی مانده خدیجه(رض) برای هجرت خود وفواطم(فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت محمد وفاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب) و کسانی از بنی هاشم که همراه اون هجرت کنند، چند عدد شتر بخرد ابو عبیده گوید: به عبدالله بن ابی رافع، گفتند آیا رسول خدا(ص) چیزی داشت که این گونه خرج کند؟ گفت: من از پدرم در مورد این موضوع پرسیدم. گفت: مگر از ثروت خدیجه(رض) خبر نداری؟ رسول خدا(ص) فرمودند: هیچ مالی به اندازه ثروت خدیجه(رض) مرا نفع نداد تا زمانی که رسول خدا(ص) در مکه بود بامال خدیجه (رض) بدهکار واسیر را آزاد واز ناتوان دست گیری می کرد و به نیاز مندان می بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می کرد وهزینه آنان را می خواستند هجرت کنند، می پرداخت. خدیجه(رض) علاوه بر وقف اموال خود، بهترین یار صمیمی او در خانه ودر برابر فشار های روانی قریش بر رسول خدا(ص) بود. (بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳). بدین ترتیب، ثروت خدیجه(رض) در راه گسترش اسلام نقش مؤثری را ایفا کرد؛ به ویژه زمانی که قریش بابه کار گیری همه توان خود، از حربه اقتصاد نیز غافل نماند وبا ایجاد تنگناهای مالی، خدیجه توانست در راه پیشرفت وتقویت اسلام بخش مهمی از توطئه های اقتصادی قریش را خنثی نماید و کمک شایسته ای به مسلمانان در این زمینه باشد.

زن وتربیت نسل

حضرت محمد(ص) نوه های خود را فرزندان حضرت فاطمه (رض) در آغوش می گرفت و خطاب به آنها می گفت: شما از ریحان خداوند هستید. امام خمینی(رح) می فرمود: «صلاح وفساد یک جامعه از صلاح وفساد زنان در آن جامعه سر چشمه می گیرد» بنابراین این توجه خاصی به تهذیب زن ونقش مؤثر او در اصلاح جامعه داشتند. او همچنین می فرماید: «زن یکتا موجود است که می تواند

از دامن خود افرادی به جامعه که از برکتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند.» (تاملی بر جایگاه زن، ج ۲، ص ۱۳۸۰، ۳۰۰) در آموزشگاه بزرگ حیات نقش اول در تعیین ساختار شخصیت کودک برعهده مادر است. او محور عاطفی خانواده را در ید قدرت خویش دارد و محبت اش سبب رشد عاطفی می گردد. حاصل این ویژگی و نقش پذیری کودک از افعال و اقوال مادر است که آینده او را معنی می بخشد و از طریق صفات ثانویه می تواند انسان های وارسته و زنان و مردان بزرگ و بافضیلت به حیات اجتماعی و تاریخ بشری تقدیم و نقش مستقیم خود را در صحنه های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ایفا نماید. (اطلاعات عمومی آکا ایران)

زن و مبارزات سیاسی

حضور سیاسی حضرت فاطمه (رض) نشان داد که زن با آگاهی و اتخاذ شیوه های سیاسی مدبرانه می تواند در صحنه های گوناگون جامعه به مبارزه بپردازد. این حضور نه تنها تفکر «عدم حضور زن در اجتماع» را نفی می کند بلکه انحصار حضور مردان در عرصه های سیاسی را به نقادی می کشاند و بر آن مهر ابطال می زند. راضیه مرضیه (ع) با زندگی و مبارزه خود در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، خانه داری، همسر داری، تربیت فرزند و به خصوص در عرصه های گوناگون سیاسی نشان داد که یک زن می تواند به حفظ حریم عفت و ارزشهای انسانی در تمام عرصه های جامعه حضور داشته باشد و اسلام چنین می خواهد که زن نیز همچون مرد در تمام عرصه های جامعه عنصری فعال و پویا باشد. (ایست تاملیز، ۱۳۸۹) بنابر نقش های که برای زنان تعریف شده درستی می توان نتیجه گرفت که زنان نقش عمده را در تبیین و تثبیت باور ها و مفروضات تمدن نوین اسلامی دارند.

نقش زنان در تبیین و تثبیت باور ها و ارزش های تمدن نوین اسلامی

باورها و ارزش های تمدن نوین اسلامی اساس و پایه تمدن را تشکیل می دهد. تمدن نوین اسلامی زمانی شکل می گیرد که باورها و ارزشهای مربوط به آن در جامعه اسلامی ایجاد شود و رفتارها عملکرد مردم و مسلمانان بر اساس آن باورها و ارزشها شکل بگیرد و این باورها و ارزشها در ذهن و فکر مسلمانان و مردم نهادینه شود. این نهادینه سازی به ابزار مختلف یا شیوه های گوناگون نیاز دارد مثلاً: باید در مدرسه ها و دانشگاه ها مورد توجه معلمان قرار بگیرد و به صورت خاص باید کتاب های آموزشی و برنامه های آموزشی مبتنی بر باورها و ارزش های نوین اسلامی نوشته شده و ارائه گردد. در سطح امور جامعه هم رسانه ها و همه کسانی که به نحوی در جامعه نفوذ دارد مثل سیاستمداران، امامان مساجد، معلمان، روزنامه نگارها، تلویزیون و..... همه باید در ارائه ارزشها و باور های تمدن نوین اسلامی مشارکت داشته باشند یکی از گروه های که می تواند نقش بنیادی و کلیدی در تبیین و تثبیت باورها و ارزش های تمدن نوین اسلامی داشته باشد زنان است. زنان به دلیل نقش محوری که در خانواده دارند و نقش محوری که در جامعه اسلامی دارند به عنوان مادر به عنوان معلم به عنوان یک مدیر یا گرداننده سازمان های مربوط به زنان یا سازمانهای جامعه اسلامی می توانند در تبیین و تثبیت باورها و ارزشهای تمدن نوین اسلامی نقش کلیدی داشته باشند. زنان به عنوان معلم می توانند در مدرسه ها این باورها و ارزشهای تمدن نوین اسلامی را با زبان علمی تبیین و تشریح کند و از طرف دیگر به دلیل اینکه از احساس و عواطف قوی بر خوردار هستند می توانند با استفاده از این احساسات و عواطف خود نقش بارز تر از مردان در تثبیت باورها و ارزشهای تمدن نوین اسلامی ایفا کنند. پس ارزشها باور مربوط به ذهن و تفکر هست. اندیشه، ذهن، تفکر را هم می شود با استدلال و روشهای علمی در ذهن و اندیشه مردم و مسلمانان تثبیت کرد و برای آنها به همین روشها تبیین و تشریح کرد که از این جهت هم زن ها می توانند این کار را همانند مرد ها انجام بدهند چرا که زن ها نیز بر روشهای عقلانی و روشهای علمی مسلط هستند زنان که تحصیلات عالی دارند مثل مردان در دانشگاهها رفتند تخصص پیدا کردند لذا آنها هم می توانند

همانند مرد ها باورها و ارزشهای تمدن نوین اسلامی را تبیین کنند و توضیح بدهند. برای آن قصه، داستان، شعر، مقاله علمی، کتاب و رمان بنویسند و از این مجاری به تبیین آنها بپردازند؛ و می توانند از همین روش علمی و عقلانی به تثبیت باورها نیز بپردازند یعنی با استفاده از روشهای علمی و عقلانی آن باورها و ارزشهای تمدن نوین اسلامی را در ذهن و رفتار عملکرد مردم و جامعه اسلامی تثبیت کنند و می توانند از روش عاطفی و احساسی هم استفاده کنند.

نقش زنان در تبیین و تثبیت هنجارهای مرتبط با تمدن نوین اسلامی

هنجار ها مربوط به الزام ها و باید های رفتاری است؛ هنجارها به افراد می گویند که چه چیزی را انجام بدهند و چه چیزی را نباید انجام بدهند هنجارها از سوی گروه های مرجع بر افراد تحمیل می شود. گروه های مرجع یعنی گروه های که افراد خود شان را با آن گروه ها معرفی می کنند یا از آن گروه ها خط می گیرند مثلا: خانواده، مدرسه، صنف شغلی یا کاری اینها همه گروه های مرجع اند؛ مثلا یک خیاط الزامهای رفتاری باید های عملکردی خود شان را از صنف خیاطها می گیرد. یک معلم هنجارها و بایدهای رفتاری خودش را از صنف معلمان می گیرد نه اینکه یک معلم برود هنجارها، بایدها و رفتار های خودش را از یک پزشک بگیرد. پس هنجارها که به معنی قواعد حاکم بر رفتارهای افراد و عمل کرد های افراد جامعه است، از سوی گروه های مرجع تعیین می شود. زنان یکی از گروه های مرجع در جامعه است. زنان هم برای خودشان گروه مرجع تلقی می شوند و زنان قبل از اینکه بیایند معیارهای عمل کرد خود شان را از افراد دیگری جامعه و مردم بگیرند، برای اولین بار سراغ زنان می رود مثلا یک زن معلم اگر بخواهد رفتار معلمی خودش را در کلاس به صورت مناسب داشته باشد در ابتدا به سراغ یک زن معلم می رود نه اینکه سراغ یک مرد معلم برود همانطور که زن ها به عنوان یک گروه مرجع برای خود شان نقش تعیین کننده دارند، برای سایر افراد هم این نقش تعیین کنندگی و معیاری را دارند؛ لذا در خیلی از جوامع برای تثبیت الزام های رفتاری و عملکرد جامعه، این زن ها بودند که وارد میدان شدند و الزام های رفتاری و عملکردی را برای جامعه تعیین کردند.

نقش زنان در تبیین و تثبیت ساخته ها و علائم تمدن نوین اسلامی

ساخته ها و نشانه ها، مظاهری بیرونی یک اندیشه، تفکر، برنامه و راهبرد است؛ یک راهبرد زمانیکه در سطح ساخته و در سطح علایم می رسد، به معنای این هست که توانسته است از سطح اندیشه ها و از سطح ذهنیت و فکر عبور بکند و به سطح عینی تر و آشکارتر که همان ساخته ها و علایم هست، برسد. زمانی ساخته ها و علایم تمدن نوین اسلامی می تواند شکل بگیرد که زنان به عنوان یک قشر، گروه، طبقه ای تاثیر گذار در جامعه از روش های عقلانی و روش های علمی و روشهای عاطفی به تبیین و توضیح این ساخته ها و علایم همت گمارد. همانطور که در بخش های قبلی عرض کردیم زنان به عنوان یک گروه مرجع مورد احترام هم در فرهنگ اسلامی و هم در فرهنگ های دیگر شناخته می شود بنابر این اگر یک علامت و یک ساخت توسط زنان مورد توجه قرار بگیرد و آنها برای تبیین آن از روشهای عقلانی و عاطفی استفاده کنند حتما آن ساخت و آن علایم در جامعه جای پا باز می کند و مورد پذیرش و تبعیت سایر مردم جامعه قرار می گیرد. مثلا پوشش حجاب از طرف زنان به عنوان حجاب مناسب برای همه زن ها یکی از نشانه های تمدن است هم در تمدن صدر اسلام و هم در تمدن نوین اسلامی که زن ها پاسداری از حجاب را در همه رفتار های فردی و اجتماعی خود شان مورد توجه قرار بدهند و در همه عرصه ها از دانشگاه گرفته تا ورزش تا جامعه با حجاب مناسب خودش وارد شود. به یقین این حجاب متناسب با اقتضاعات روز و نیاز های جامعه می تواند به عنوان یک علامت و نشانه تمدن نوین اسلامی در جامعه مورد تبعیت قرار بگیرد و پاسداری شود ولی اگر زن ها به این کار حمت نگمارد و آن را قبول نکنند، نمی تواند این نماد و این ساخت مورد پذیرش سایر اقشار و افراد جامعه قرار بگیرد چون زن ها همانطور که عرض کردیم

مخصوصا کشور های غربی یا سیاست مداران و رهبران جامعه سعی می کنند در هرکاری ولو به صورت نمادین زنهارا در کارها و پست های کلیدی خود شان قرار بدهند اینکه ولو به صورت نماد به زنان توجه می کنند در مورد آنها صحبت می کنند یا در جلسات شان از آنها استفاده می کنند این نشان دهنده این است که تثبیت نماد ها و تبیین نماد ها از سوی زنهارا می تواند نقش کلیدی و اساس تر در جامعه ایفا کند. خلاصه کلام در همه این سه محور که عرض کردیم دو نقش کلیدی وجود دارد یکی نقش تبیینی که با استفاده از روشهای علمی یا روشهای اساسی عاطفی می تواند به تبیین باور ها و ارزشهای اسلامی زنان نقش کلیدی را ایفا کنند و در مورد هنجارها که گفتیم هنجارها الزام های هستند که از سوی گروه های مرجع برای افراد تعیین می شود و زنهارا می توانند به عنوان یک گروه مرجع در این زمینه هم به تبیین و هم به تثبیت هنجارها کمک کند ساخته ها و علایم در واقع بارز ترین وجه برای تمدن نوین اسلامی است که در سطح دید افراد قرار می گیرد یعنی افراد چه در داخل تمدن نوین اسلامی و چه از بیرون وقتی به مطالعه و بررسی تمدن نوین اسلامی بپردازند برای اولین مرتبه علایم و نشانه هارا می بینند. علایم و نشانه ها مثلا تعداد نشرات علمی، کتاب های منتشره علمی تعداد تبعیت از قانون در رفتار های شهروندی اینها یا کار ها و ساخته هنری مثل فیلمها، داستانها، مجسمه های هنری اینها نشانه های یک تمدن است که اگر زنهارا این قسمت بپردازد و آنها را به روش علمی یا عاطفی تبیین کند نقش یا تأثیر کلیدی تر و اساسی تر از کسانی دیگر دارند؛ چون زنهارا می توانند از روش عاطفی در کنار روش علمی هم استفاده کنند. مردان ممکن است فقط از روش علمی استفاده کنند اما برای تبیین نمی توانند به درجه که زنهارا از روش عاطفی استفاده می کنند مهارت دارند و در این زمینه ویژه گی ذاتی و فکری دارند مردان این ویژگی را ندارند. لذا، زنهارا در هر سه بخش که عرض شد می توانند مؤثر تر باشند بهتر عمل کنند. حالا نشانه مؤثر تر بودن بهتر بودنش هم همین توجهات است که در تمدن کنونی بشری زنهارا حتی به شکل نمادین هم که شده مورد توجه اکثر کشورهای توسعه یافته و اکثر سیاست مداران ، زمامداران، حکومت هاست. لذا این نقش را آنها خیلی مورد توجه قرار داده اند. در سنت پیامبر اکرم(ص) هم نقش زنان مورد توجه قرار گرفته است طبق آنچه که از تاریخ به دست ما رسیده شاهد هستیم که پیامبر بزرگوار توجه خاص برای خانم هاداشته و چقدر توجه به دخترش فاطمه الزهرا (رض) عنه داشته است که به دختر شان مادری پدر خطاب می کردند یعنی دختر شان به عنوان یک زن نقش کلیدی و اساسی در زندگی پیامبر(ص) داشته یا مثلا حضرت خدیجه(رض) به عنوان یک زنی تاثیرگذار در تثبیت و نهادینه شدن رسالت، نبوت و حکومت پیامبر ایفای نقش کرده و پیامبر هم به این قضیه بارها و بارها اعتراف کرده است، این اعتراف ها و این جایگاه که پیامبر برای حضرت خدیجه اظهار کرده این بیانات حضرت پیامبر راجع به حضرت خدیجه می تواند ما را در این سه محور کمک و یاری نماید. در غیر این هم زنان الگو و شایسته دیگری در صدر اسلام بودند که قبلا ذکر شده اند: زینب شهبازی، فاطمه تنوخی، عائشه قرطبی، عائشه صدیقه، فاطمه سمرقندی و..... می توانند محور توجه برای همه حساب شوند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر(ص) می فرماید: شما قبل از اینکه همسر پیامبر بودید یک نقش در جامعه داشتید اما بعد از اینکه به عنوان همسر پیامبر شده و ارید خانه پیامبر شدید یک نقش دیگری دارید. یعنی اینکه شما به عنوان الگو تلقی می شوید. پیش زنان وقت که می تواند در یک خانواده ی حاکمیتی و حکومتی قرار بگیرد می توانند به عنوان یک بخش از مدیران جامعه به عنوان الگو باشند و این الگوها همواره مورد نگاه افراد جامعه است، اشخاص جامعه به آن نگاه می کنند از آن الگو می گیرند. آیه که در مورد زنان پیامبر ذکر کردیم برای ما این مطلب را بیان می کند که چقدر جایگاه کلیدی و اساسی برای زنان در نهادینه شدن و تثبیت الگوهای رفتاری جامعه از سوی قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است یا در جنگ ها یا در بیعت های که پیامبر با مردم داشته نیامدند فقط با مردها بیعت کنند بلکه آمدند با زنهارا نیز بیعت کردند پیامبر فقد اجازه به میدان رفتن و شرکت در غزوات را برای مردان در نظر نگرفته بودند بلکه به زنان هم اجازه داد در جنگ ها در پشت سنگر حامیان پیامبر و مددو کنندگان مجروحان باشند این نشان می دهد که زنان در تثبیت باور ها و ارزشها و هنجارهای رفتاری و عمل کردی و در تثبیت

علائم و نشانه های یک تمدن تاثیر گذار است در جامعه و در کشورهای پیشرفته در ابتدا زنان به عنوان معلم انتخاب می شدند به خاطر همین احساسات و عواطف است چون وقت یک ارزش در دوران کودکی در ذهن و اندیشه افراد شکل بگیرد دیگر تازمانی که زنده است پاک نمی شود لذا ارزشهای یک تمدن یا ارزشهای یک اجتماع را که کشورهای پیشرفته مدی نظرشان هست که باید در رفتار های اجتماعی و رفتار شهروندان آن جامعه مورد تبعیت قرار بگیرد در مدرسه ها و دوره های ابتدای آن ها را در کتابها و مضمون های درسی قرار داده و بعد معلمین اش را می گویند زن باشد چون مرد فقد با استفاده از روش عقلانی و علمی این کار را انجام می دهند و اگر از روش عاطفی هم بهره بگیرد نمی توانند به اون خوبی که یک زن از روش عواطف استفاده می کند یک مرد استفاده بکند لذا زن این امتیاز را دارد که هم به روش علمی مجهز شود و هم به روش عاطفی به شکل آیدی آل و مطلوب پیاده کند این جاهست که آنها در مدرسه های ابتدای از زنان به عنوان معلم استفاده می کنند. حضرت زینب، حضرت خدیجه، حضرت عایشه، حضرت فاطمه اینها به عنوان نماد های از زنان صدر اسلام بودند که در تثبیت ارزشهای اصلی و اساسی رسالت پیامبر (ص) برای مردم ایفای نقش کردند، مثلاً این ام المومنین بودن یک اعتبار عاطفی بوده یک اعتبار عقلانی نیست و این ام المومنین بودن کمک می کند ارزش که مد نظر پیامبر بوده از طرف ام المومنین بیان می شود این خودی عبارت ام المومنین مردم را وادار به اطاعت و انجام کار می کند. همین نهادینه شدن که در ابتدای اسلام توسط این زنان صورت گرفت در تمدن کنونی هم که متناسب با اقتضاعات زمان و مکان باید ارزشهای اسلامی مورد توجه قرار بگیرد این زنان هست که دوباره می توانند به عنوان پیشتازان تبیین و تثبیت ایفای نقش کنند و زنان هست که با دوبرال روش عقلانی و عاطفی پیشگامان شکل گیری تمدن نوین اسلامی محسوب شود.

تاثیر مدیریت فرهنگی بانوان در توسعه تمدن نوین اسلامی

مدیریت فرهنگی بانوان در توسعه تمدن نوین اسلامی، نقشی غیرقابل انکار و حیاتی دارد. زنان نه تنها در حفظ و انتقال آموزه های دینی و فرهنگی، بلکه در ایجاد و تقویت هویت اسلامی، نقشی محوری ایفا کرده اند. قرآن کریم و سیره رسول اکرم (ص) تأکید دارند که زنان به عنوان ستون های اصلی تمدن اسلامی، می توانند با مدیریت مؤثر فرهنگی، در رشد و تکامل جامعه اسلامی نقش آفرینی کنند. در این راستا، حضرت فاطمه (رض) با اندیشه های ژرف خود، حضرت خدیجه (رض) با حمایت های بی دریغ از پیامبر اسلام (ص) و حضرت عایشه (رض) با دانش و آموزه های فقهی خود، از نخستین الگوهای زنانی هستند که در تثبیت و ترویج فرهنگ اسلامی در سطح جامعه نقش برجسته ای داشتند. قرآن کریم در سوره احزاب، آیه ۳۵، بر اهمیت مشارکت زنان و مردان در تحقق اهداف جامعه اسلامی تأکید می کند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». این آیه بیانگر آن است که زنان و مردان با همکاری و مشارکت در ساختار فرهنگی جامعه اسلامی، می توانند به تعالی فرهنگی و تمدنی دست یابند. نقش زنان در تثبیت و تبیین باورها و ارزش های اسلامی، از خانه به جامعه گسترش می یابد و با انتقال آموزه های دینی به نسل های بعدی، در جهت توسعه تمدن نوین اسلامی قدم برمی دارند. مدیریت فرهنگی بانوان در جوامع اسلامی، به ویژه در دوران معاصر، از این جهت حائز اهمیت است که آنان قادرند با نفوذ در فرهنگ عمومی و هدایت نسل ها به سوی ارزش های اسلامی، از تهاجمات فرهنگی جلوگیری کنند. زنان به عنوان مادران، آموزگاران و مشاوران فرهنگی، می توانند با ایجاد فضایی آکنده از آموزه های اسلامی، نسل هایی تربیت کنند که در برابر چالش های تمدن های معاصر، مقاوم و هوشیار باشند. این مدیریت فرهنگی از طریق تبیین و تثبیت هنجارهای اسلامی، موجب تقویت اتحاد و همبستگی اجتماعی می شود و در نهایت به رشد و توسعه یک تمدن اسلامی نوین کمک می کند. همچنین، امام خمینی (ره) به عنوان یکی از بزرگ ترین پیشوایان مسلمان، بر این باور بودند که زنان با ایفای نقش فرهنگی و اجتماعی خود می توانند در شکوفایی و پیشرفت جامعه اسلامی مؤثر باشند. ایشان فرمودند: «زنان در اسلام به عنوان انسان های مستقل و مؤثر در جامعه شناخته می شوند». در این راستا، تأکید بر

نقش فرهنگی بانوان در مدیریت جامعه اسلامی، به ویژه در حفظ ارزش های دینی و اجتماعی، نه تنها ضروری بلکه ضامن پایداری و پیشرفت تمدن اسلامی است.

در نهایت، مدیریت فرهنگی بانوان در توسعه تمدن نوین اسلامی، به عنوان یک ابزار قدرتمند برای ارتقای هویت اسلامی، ترویج عدالت اجتماعی و فرهنگی و مبارزه با تهاجمات فرهنگی و تمدنی، ضروری است. زنان با درک صحیح از آموزه های دینی و فرهنگی، می توانند بستری فراهم کنند که جامعه اسلامی به سمت پیشرفت، تعالی و رشد پایدار حرکت کند.

نتیجه گیری

مدیریت فرهنگی به عنوان فرآیند سازمان دهی و هدایت فعالیت های فرهنگی، الزامات خاص خود را دارد که در قلمرو تمدن نوین اسلامی نیز به طور ویژه قابل توجه است. مقام معظم رهبری در این زمینه تأکید دارند که تمدن نوین اسلامی باید علاوه بر پاسخ گویی به نیازهای مادی انسان ها، ابعاد معنوی و روحی آنان را نیز به سمت کمال و سعادت هدایت کند. این تمدن، که در تضاد با تمدن غربی ظهور می یابد، به دنبال تحقق اصولی است که در چارچوب «اسلامیت» شکل می گیرند و در این میان، نقش زنان در مدیریت فرهنگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مسیر، مدل های مختلف مدیریت فرهنگی مانند نظریه های هافستند و ادگار شاین، به ویژه از منظر توجه به باورها و ارزش ها، به ما یادآوری می کنند که زنان باید در فرآیندهای فرهنگی و مدیریتی نقش آفرینی کنند. این توجه به نقش زنان در مدیریت فرهنگی، نه تنها به عنوان یک ضرورت اجتماعی، بلکه به عنوان یکی از ارکان شکل گیری و استمرار تمدن نوین اسلامی است. در اسلام، زن به عنوان یکی از ارکان ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه شناخته شده است. زن در خانواده و جامعه، با انجام وظایف خود می تواند نقشی اساسی در شکل گیری خانواده ای سالم و متعالی ایفا کرده و از آنجا به توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی کمک کند. در تاریخ اسلام نیز زنان بزرگی همچون حضرت خدیجه، حضرت فاطمه و حضرت عایشه (رض) با مشارکت در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی، نقش های کلیدی در تثبیت و ترویج آموزه های پیامبر اسلام (ص) ایفا کردند.

در نهایت، نقش مدیریت فرهنگی بانوان در توسعه تمدن نوین اسلامی یک عامل اساسی و تعیین کننده است. بانوان با توانایی های ذاتی خود در ابعاد عقلانی و عاطفی، می توانند به عنوان پیشگامان تبیین و تثبیت ارزش های اسلامی عمل کنند و با تربیت نسل های جدید آگاه و متعهد به اصول اسلامی، پایه گذار یک جامعه فرهنگی، پیشرفته و مقاوم در برابر چالش های فرهنگی و اجتماعی شوند. این نقش نه تنها در سطح خانواده، بلکه در عرصه های اجتماعی و فرهنگی نیز ضروری است، چراکه زنان می توانند با هدایت فرهنگی صحیح، نقش مؤثری در مقابله با تهاجمات فرهنگی و تقویت هویت اسلامی ایفا کرده و در نهایت، در شکوفایی و ماندگاری تمدن نوین اسلامی نقش برجسته ای داشته باشند. بنابراین، توجه به نقش مدیریت فرهنگی بانوان در فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زنان نه تنها به عنوان افرادی تاثیرگذار در تبیین و تثبیت ارزش ها و باورهای اسلامی در سطح فردی و اجتماعی عمل می کنند، بلکه توانمندی آن ها در هدایت فرهنگی و تربیت نسل های آینده، می تواند به الگویی پایدار برای ارتقای تمدن نوین اسلامی تبدیل شود. از این رو، برای تحقق تمدن اسلامی و تحقق اهداف آن،

توجه به ظرفیت های زنان در عرصه فرهنگ و مدیریت فرهنگی، یک ضرورت انکارناپذیر است که می تواند زمینه ساز توسعه ای متوازن و پایدار در سطح جهانی باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، (۱۴۲۳)، أعلام الموقعین، دار ابن الجوزی، عربستان، احساء

ابن کثیر، ابولفداء حافظ، (۱۳۹۸)، البدایة والنهاية، بیروت دارالکفر، ج ۲.

ادگار شاین، (۱۳۸۹)، فرهنگ سازمانی، مترجم: محمد ابراهیم محجوب، انتشارات: فرا.

اسفندیاری، حسینعلی، (۱۳۸۹)، مدیریت فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.

البرو، مارتین، (۱۳۸۰)، مقدمات جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نشرنی.

بی نا، (۱۳۹۴)، توسعه، سایت خبر گزاری جمهوری اسلامی

بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲.

تاملی برجایگاه زن، (۱۳۸۰)، ناشر ستاد بزرگداشت، یکصدومین سال میلادی امام خمینی (رح)، ج ۲.

تقوی دامغانی، سید رضا، (۱۳۸۶)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین المللی.

حبیبی، آرش، (۱۳۹۱). parsmodir.com

خواجه سروری، غلامرضا، جوادفتحی، محمد، اسفندیار، محمد، (۱۳۹۳)، مؤلفه های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی.

خیری، ودایع، (۱۳۹۱)، الزامات و پیش نیازهای تمدن سازی دینی.

صالحی امیری، سید رضا، دولت آبادی، امیر عظیمی، (۱۳۹۴)، ابعاد و جلوه های فرهنگ.

صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۷)، امالی، قم، مؤسسه البعثة.

کلارک، مایکل، (۲۰۰۱)، فرهنگ آکسفورد، مترجم: الهام سادات رضایی، انتشارات: برگ نگار.

گروه مترجمان میثاق مدیران، info@MisaqModiran.com.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۴۰)، بحر الانوار، بیروت داراحیاء التراث العربی، ج ۱۹،

مستقیمی، مهدیه سادات، (بی تا)، نقش حضرت فاطمه (س) در پیدایش و گسترش علوم و تمدن اسلامی.

معتصمی، ابولخیر عبدالرحمن، (بی تا)، تعلیم و تربیت زن از دیدگاه اسلام.

میدل ایست تامیز، چاپ قبرس ۱۳۸۹/۱۱/۱۲.

نادری قمی، محمد مهدی، (۱۳۸۹)، فرهنگ در نظریه سازمان و مدیریت، ناشر: مؤسسه آموزشی امام خمینی.

نور محمد، یعقوبی، (۱۳۸۷)، اسلامی سازی و بومی سازی.

هافستند، گیرت، (۱۳۸۸)، فرهنگ ها و سازمان ها، مترجم: مجموعه ی نویسندگان، انتشارات علم.

پاشائی، شهرام، ۱۴۰۰، نقش زنان در توسعه امور فرهنگی، هشتمین کنگره ملی تازه یافته در مدیریت و مهندسی صنایع با تاکید بر توانمندی و هوش رقابت، تهران، <https://civilica.com/doc/1567352>.

تاج آبادی، حسین و محمدیوسفی، امیر و شریعتی، لیلا، ۱۴۰۳، نقش زنان در مدیریت فرهنگی، چالش ها و راهبردها، چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/2044995>.

Samier, E., & ElKaleh, E. (2021). Towards a Model of Muslim Women's Management Empowerment: Philosophical and Historical Evidence and Critical Approaches. *Administrative Sciences*, 11(2), 47. <https://doi.org/10.3390/admsci11020047>

Bukhari, S. A. (n.d.). Role of Women in the Development of Islamic Civilization. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Ullahabad, Pakistan.

Bagley, C. A., Abubaker, M., & Shahnaz, A. (2018). Woman and Management: A Conceptual Review, with a Focus on Muslim Women in Management Roles in Western and in Muslim-Majority Countries. *Open Journal of Business and Management*, 6, 498–517. <https://doi.org/10.4236/ojbm.2018.61035>

Elahi, H. (2025). Women's Rights in Islam: A Comprehensive Analysis of Quranic and Sunnah Teachings. *International Journal for Multidisciplinary Research (IJFMR)*, 7(2), March–April 2025. E-ISSN: 2582-2160.

The Role of Women in Cultural Management and Its Impact on the Development of the New Islamic Civilization

Mashhodah Bikzad Hamida adib

Abstract

Cultural management can be understood as the process of planning, organizing, guiding, leading, and supervising a set of activities aimed at the transmission, consolidation, promotion, and evolution of a specific culture, along with all its components and elements. Given the importance of cultural management, this paper, through a descriptive and analytical method,

explores the role of women in cultural management and its impact on the development of the New Islamic Civilization. The key functions of the research include cultural management, the dimensions of cultural management according to Hofstede, Edgar Schein's model, the New Islamic Civilization and its requirements, the role of women in cultural management within the New Islamic Civilization, the role of women in shaping, defining, and consolidating the beliefs and assumptions of the New Islamic Civilization, the role of women in defining and consolidating the values of the New Islamic Civilization, the role of women in defining and consolidating the norms related to the New Islamic Civilization, the role of women in defining and consolidating the constructs and symbols of the New Islamic Civilization, and the role of cultural management and its impact on the development of the New Islamic Civilization.

Keywords

Cultural management, civilization, development, New Islamic Civilization.